

مطالبات اخلاقی

شهید امام خامنه‌ای رَحْمَةُ اللهِ عَلَیْهِ

از حوزه‌های علمیه

نظری نیست. بعضی‌ها نحله‌های مختلفی هم داشتند. مرحوم سیدمرتضی کشمیری ^{رحمۃ الله علیه} یکی از اساتید مرحوم حاج میرزا علی‌آقای قاضی است؛ اما نحله فکری اینها به‌کلی از هم متفاوت است. ایشان از داشتن یک کتابی به‌شدت منع می‌کند، ایشان به آن کتاب عشق می‌ورزد؛ منافاتی ندارد. همین بزرگانی که در مشهد بودند، مردمانی بودند که ما اینها را به تقوا و طهارت و پاکیزگی شناختیم؛ مرحوم حاج میرزا جوادآقای تهرانی، مرحوم حاج شیخ مجتبی و امثال ایشان؛ اینها هم همین جوزند. عمده این است که این دل زنکار گرفته را یک زبان معنوی، یک سخن برخاسته از دل شفا ببخشند و این زنکار را برطرف کند؛ بنابراین ما اینجا بحث عرفان‌های نظری را نداریم.^۵

«فرض بفرمایید یکی از کارهایی که خیلی تأثیر دارد، بیان شرح حال بزرگان اهل تہذیب و اهل اخلاق است. درباره اینها کتاب بنویسید و همین‌ها را بین طلبه‌ها پخش کنید…»^۶ «راهنش اینهاست؛ یعنی وصل‌کردن به این منابع اخلاقی و معرفتی و اهل حال و اهل ذکر و اهل خشوع؛ والا درس حرفه‌ای اخلاق، هیچ فایده‌ای ندارد. گفتن اخلاق اصلاً درس نیست؛ اخلاق یک صیوررت است. باید استاد کاری کند که شاگرد صیوررت اخلاقی پیدا کند. به نظر من این جزو کارهای لازم است. این جوری باید طلبه‌ها را به مسئله اخلاقی کشانند.»^۷

دارد؛ همچنان که متقابلاً متعلم بر معلم حقوقی دارد. اینکه استاد بیاید بگوید و برود، نه؛ حرف شاگرد را می‌شنفتند، گوش می‌کردند. اینها از قدیم معمول بوده است. در همین زمان ما بعضی از بزرگان بودند، الان هم هستند؛ شاگرد بعد از درس تا خانه استاد او را همراهی می‌کرد؛ بحث می‌کرد، صحبت می‌کرد، سؤال می‌کرد. گعده، گعده علمی نشست، نشست تحقیقی و سؤال و جواب؛ اینها سنت‌های خوب حوزه ماست. دیگران می‌خواهند اینها را از ما یاد بگیرند. ما بیاییم اینها را تبدیل کنیم به روش‌های دیگران که منسوخ و کهنه است؟! پس این سنت‌ها باید باقی بماند و تقویت شود؛ تحول به‌معنای تغییر اینها نیست.^۸

• تدوین شرح حال بزرگان و معرفی قله‌های تہذیب

ما قله‌های تہذیب داریم در همین قم، حاج میرزا جوادآقای ملکی، علامه طباطبایی، آقای بهجت، آقای بهاءالدینی ^{رحمۃ الله علیه}، قله‌های تہذیب در حوزه بودند. رفتار اینها، شناخت زندگی اینها، حرف‌های اینها، خودش یکی از شفاف‌بخش‌ترین چیزهایی است که می‌تواند انسان را آرام کند؛ به انسان آرامش بدهد، روشنایی بدهد، دل‌ها را نورانی کند. در نجف بزرگانی بودند؛ سلسله شاگردان مرحوم آخوند ملاحسینقلی تا مرحوم آقای قاضی و دیگران و دیگران؛ اینها برجستگانند. به نحله‌های فکری و عرفانی اینها هم کاری نداریم. در اینجا مسئله، مسئله



تہذیب نفس و تربیت اخلاقی، جان‌مایه حیات علمی و معنوی در حوزه‌های علمیه است. شهید امام خامنه‌ای ^{رحمۃ الله علیه} به‌عنوان دیده‌بانی بصیر و رهبری الهی، همواره بر این حقیقت تأکید ورزیده‌اند که تعلیم بدون تہذیب، پیکری بی‌روح است. ایشان در پیام تاریخی خود به‌مناسبت یکصدمین سالگشت بازتأسیس حوزه علمیه قم، با نگاهی راهبردی تصریح کردند: «تہذیب به‌معنی منزوی‌پروری نیست؛ بخش عمده‌ای از گستره فعالیت مجاهد فرهنگی، دعوت به تہذیب نفس و اخلاق اسلامی است و این بدون برخورداری دعوت‌کننده از آنچه بدان دعوت می‌کند، کاری بی‌اثر و بی‌برکت است.» این کلام نورانی، نشان‌دهنده حساسیت ویژه آن شهید گران‌قدر نسبت به معنویت و خودسازی جویزبان برای تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی است. نوشتار پیش‌رو، بازخوانی و تأملی است بر برشی از مطالبات اخلاقی و رفتاری آن رهبر فرزانه که نقشه راهی برای پویایی، کمال معنوی و اثرگذاری حوزه‌های علمیه به‌شمار می‌آید.

• اهمیت تہذیب نفس در حوزه علمیه

مسئله دیگر در نظام رفتاری و اخلاقی حوزه‌ها، فیض‌بردن از معنویات است، تہذیب است؛ این خیلی مهم است. جوان امروز حوزه بیش از گذشته به مسئله تہذیب نیازمند است. کسانی که رشته‌های رفتارشناسی عمومی را مطالعه می‌کنند و کار می‌کنند، این را تأیید می‌کنند. امروز در همه دنیا این‌جور است که وضع نظام مادی و فشار مادی و مادیت، جوان‌ها را بی‌حوصله می‌کند؛ جوان‌ها را افسرده می‌کند. درک چنین وضعی، دستگیر جوان‌ها، توجه به معنویت و اخلاق است. علت اینکه می‌بینید عرفان‌های کاذب رشد پیدا می‌کند و یک عده‌ای طرفشان می‌روند، همین است؛ نیاز هست جوان ما در حوزه علمیه – جوان طلبه چه دختر چه پسر – نیازمند تہذیب است.^۱

عزیزان من وقتش حالاست؛ از این فضای معنوی مواریت و یادگارهای معنوی‌ای که در این فضا انباشته است، استفاده کنید. مرحوم سیدحسین رضوی از همین آستان مقدسه و از علمای اوایل قرن چهاردهم است که از حلالش نقل می‌کنند، مثلاً در قنوت نماز وتر دعای ابی‌ حمزه را از ابتدا تا انتها می‌خوانده است؛ چنین عابدان و زاهدانی را این حوزه تربیت کرده است. من از بزرگان حوزه خواهم می‌کنم، درس اخلاق و تہذیب را برای جوانان مستعد روشن و نورانی – که در این حوزه فراوان هستند – جدی بگیرند.^۲

• تکریم اساتید و مراجع تقلید

مسئله بعدی، مسئله نظام رفتاری و اخلاقی حوزه‌هاست که همین تحول – اگر تحولی انجام می‌گیرد، باید ناظر به این جهت هم باشد. چند تا سرفصل در این خصوص وجود دارد که من اینجا یادداشت کرده‌ام: تکریم اساتید؛ نظام رفتاری و اخلاقی ما در حوزه‌ها، باید در این جهت حرکت کند. تکریم استاد، تکریم عناصر فاضل به‌خصوص تکریم مراجع تقلید؛ هرکسی آسان به حد مراجع معظم تقلید نمی‌رسد؛ صلاحیت‌های زیادی لازم است. غالباً مراجع قله‌های علمی حوزه‌های علمیه محسوب می‌شوند؛ بنابراین احترام مراجع بایستی محفوظ باشد، باید تکریم شوند.^۳

احترام به استاد هم یک مسئله است. یکی از سنت‌های رایج حوزه‌های علمیه تواضع شاگرد در مقابل استاد و احترام به استاد بود. «آداب المتعلمین» می‌نوشتند که متعلم در مقابل معلم چه وظایفی دارد و معلم چه حقوقی بر او

حوزه علمیه کارآمد

از دیدگاه شهید امام خامنه‌ای رَحْمَةُ اللهِ عَلَیْهِ

با بررسی عوامل ناکارآمدی حوزه علمیه

ادامه از صفحه ۳

مجتهد، شخصی است کسی که نه فقط در بعد علمی که در همه ابعاد، از معصومین ^{علیهم‌السلام} الگوگیری کرده است؛ همان‌طور که معصومین ^{علیهم‌السلام} جامع‌الایعاد بودند، وارثان ایشان نیز باید در همه ابعاد، پیرو واقعی ایشان باشند. حضرت امام خمینی ^{رحمۃ الله علیه} در بیان شرایط مجتهد جامع‌الشرایط می‌فرماید: «مجتهد باید به مسائل زمان خود احاطه داشته باشد. برای مردم و جوانان و حتی عوام هم قابل قبول نیست که مرجع و مجتهدش بگوید من در مسائل سیاسی اظهارنظر نمی‌کنم.»

آشنایی به روش برخورد با حبله‌ها و تزویرهای فرهنگ حاکم بر جهان، داشتن بصیرت و دید اقتصادی…؛ یک مجتهد باید زیرکی و هوش و فراست هدایت یک جامعه بزرگ اسلامی و حتی غیراسلامی را داشته باشد و علاوه بر خلوص و تقوا و زهدی که در خور شأن مجتهد است، واقعاً مدیر و مدبّر باشد.

حکومت در نظر مجتهد واقعی، فلسفه عملی تمامی فقه در تمامی زوایای زندگی بشریت است… فقه، تنوری واقعی و کامل اداره انسان از گهواره تا گور است. (صحیفه امام، ج ۲، ص ۲۹)

بنابراین، تنها بعد علمی برای یک فقیه یا مجتهد کفایت نمی‌کند. مجتهد جامع‌الشرایط به کسی می‌گویند که علاوه بر اجتهاد در بعد علمی در ابعاد دیگری چون تقوا و خلوص و سیاست و مدیریت و آگاهی از امور زمانه و استعداد و زیرکی و بصیرت و… نیز در سطح بالایی از تسلط و اشراف باشد.

• کم‌رنگ‌شدن روحیه جهادی در حوزه علمیه

کسب قوه و ملکه اجتهاد، همان‌طور که از نام آن روشن است، تنها همراه با تلاش و ممارست فراوان، حاصل می‌شود. در ادامه برخی فرمایشات رهبر شهید انقلاب ^{رحمۃ الله علیه} مبنی بر اهمیت و لزوم زندگی جهادی بررسی می‌شود:

۱. همه کارها مجاهدت لازم دارد. بدون مجاهدت نه به دنیا و نه به آخرت می‌شود رسید… اگر تلاش نکرد، نه. مثل یک سنگی همان‌جا خواهد ماند، حرکتی نخواهد کرد. (امام خامنه‌ای، ۲۳ / ۸ / ۷۴: در مراسم عمامه‌گذاری در سالروز ولادت حضرت زهرا ^{علیها‌السلام})

۲. اگر بخواهیم به وظایف، درست عمل کنیم، پیمودن راه از حالا به بعد، یقیناً آسان‌تر از راه گذشته ما نیست، راه دشواری است. از حالا به بعد مسئله، مسئله حفظ ارزش‌هاست… با زبان ممکن نیست.

با عمل و تلاش و فداکاری و امید و آمادگی و علم و تقوا ممکن است… اگر خدای نکرده روحانیون خسته و ملول و نیمیده و دل‌بسته شدند، از راحتی و آسودگی خشنود شدند، به آن عادت کردند، از خطر و سختی گریزان شدند، بار بر زمین خواهد ماند و این فکر پیش نخواهد رفت. (امام خامنه‌ای، ۸ / ۵ / ۶۹: دیدار روحانیون و طلاب آزاد)

۳. طلبه جوان و روحانی باید پرکار و پرتلاش باشد و از کار خسته نشود. اندکی احساس خستگی و میل به راحت‌طلبی، کار را خراب خواهد کرد. باید خستگی‌ناپذیر باشید… دنبال کار را بگیرید و خسته نشوید. هر کاری را که شروع می‌کنید تا نهایت آن کار بروید و احساس کسالت و ملالت نکنید. (امام خامنه‌ای، ۱۲/۱۱/۶۶: در مراسم عمامه‌گذاری طلاب مدرسه علمیه مجد)

۴. معیار جهاد، شمشیر نیست، میدان جنگ هم نیست. معیار جهاد، همان چیزی است که امروز در تعارف زبان فعلی فارسی ما، در کلمه مبارزه وجود دارد. فلانی آدم مبارزی است، فلانی آدم مبارزی نیست… در مبارزه دو چیز حتماً لازم است: یکی اینکه در او جدّ و جهدی باشد، تحریکی باشد… دوم اینکه در مقابلش یک دشمنی باشد… تنبلی و نشستن و بی‌کاری و بی‌اهتمامی، از امت پیغمبر ^{صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم} خواسته نیست. (امام خامنه‌ای، ۲۰/۶/۷۳: شروع درس خارج فقه)

• نتیجه

حوزه‌های علمیه و نظام اسلامی با یکدیگر در اهداف و غایات، هم‌جهت بوده و هرکدام باید مساعد دیگری باشد. از طرفی، نظام اسلامی برای اینکه بتواند الگوی مناسبی برای دیگر ملت‌ها باشد، باید در همه جوانب و اجزای خود، کاملاً منطبق بر اصول اسلامی بنانهاده باشد.

حوزه علمیه موظف است با حداکثر توان، به نظام اسلامی مدد رساند. این مهم، جز با مدیریتی کارآمد و متناسب با ظرفیت‌ها و میراث و سنت عظیم علمی و اخلاقی حوزه‌های علمیه، ممکن نیست. تولید و ترویج علوم اسلامی و انسانی، همواره بر عهده حوزه‌های علمیه بوده و هست.

تولید فرهنگ و سبک زندگی اسلامی که در نهایت به تولید فرهنگ و تمدن منجر خواهد شد، جز از راه باورشدن و تولید علوم اسلامی، امکان‌پذیر نیست. وظایف حوزه‌های علمیه، بسی سنگین‌تر از همه دوران تاریخ بوده و رفع نقایض احتمالی و رشد توانایی‌ها آن، بسیار ضروری است.

منبع: حوزه‌نت، سیدمجتبی هادیان

ادامه در صفحه ۹